

تاریخ سی ام شهریور یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت

نکات مهم تظاهرات قدسی

تظاهرات روز قدس در جمعه بیست و هفتم شهریور 1388، با حضور میلیونی مردم تهران به تظاهرات مبارزاتی مردم علیه حکومت جمهوری اسلامی تبدیل گشت. در این تظاهرات مردم با روحیه ای کاملاً متفاوت از تظاهرات های دور پیشین به خیابان ها آمده بودند. بر خلاف برخی گزارشات که حکایت از عدم برخورد نیروهای سرکوبگر با تجمعات داشت، از همان لحظه ی شکلگیری صف های مردمی، نیروهای فرم پوش و لباس شخصی با باطوم و گاز اشک آور به ایشان حمله می کردند. در فیلم های بسیاری که از این صحنه ها تهیه شده، این واقعیت کاملاً مشهود است. اما این بار، مردم بر خلاف گذشته که از درگیری با نیروهای سرکوبگر دوری می جستند، بصورت دست جمعی به صف های سرکوبگران حمله کرده و آنان را تنبیه نموده و ابزار و آلات شان را به آتش می کشیدند. فقط در میدان هفت تیر ده ها موتورسیکلت لباس شخصی ها به آتش کشیده شد. در میدان ولیعصر و بلوار کشاورز و همچنین، میدان انقلاب و خیابان کارگر و خیابان های اطرافشان، تعداد زیادی از بسیجیان و فرم پوشان مورد حمله تظاهرکنندگان قرار گرفته و پس از خوردن کتک، متواری گشتند. در میدان ونک دو کامیونت پلیس به آتش کشیده شد. و این درگیری ها ادامه داشت تا اینکه در ساعات 11 و 12 صبح، جمعیت آنچنان پر تعداد شد که اکثر نیروهای سرکوبگر خود را در محاصره می دیدند و یا ناتوان از برخورد با مردم، در کوچه و پس کوچه ها پنهان شده و رو نشان نمی دادند. اما علیرغم این برخوردها، خبرهای رسیده حاکی است که بازداشتیان زیادی هم داشتیم و در میدان هفت تیر، شمار بازداشت شدگان 150 نفر گزارش شده است. این در حالیست که نیروی انتظامی شمار دستگیر شدگان را کمی بیشتر از 30 نفر اعلام کرده اند. نکته دیگر در این تظاهرات، هر چه رادیکالتر شدن شعارها بود. شعارهای مردم بیشتر عناصر و شخصیت های نظام را مورد حمله قرار داده و بغیر از فحش های مستقیم به این چهره ها، خواهان مرگ و استعفا ایشان می شدند. از شعارهای مثبت نیز باید اعتراف کنیم که «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی» و یا «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» بیشترین هواداران را داشتند. البته شعارهای «مرگ بر روسیه» و «مرگ بر چین» هم بارها از طرف مردم فریاد زده می شد. خلاصه کنیم، این تظاهرات با حضور میلیونی مردم و رزمنده تر از تظاهرات های گذشته برگزار گشت و پوچ بودن نظرات مدعیان خاموشی اعتراض مردمی را به اثبات رساند. بخصوص حضور ده ها هزار نفری مردم معترض در شهرهای تبریز، اصفهان، شیراز، قم، مشهد، ارومیه و ... نیز حکایت از رشد و توسعه ی روحیه انقلابی در سراسر کشور دارد. کانون درگیری ها در تهران، پس از تارک شدن هوا به محلات تغییر کرد و در میدانهای چون ونک، صادقیه، سعادت آباد و ... تا نیمه های شب ادامه داشت. همچنین، تظاهراتهای بیشماری محلی از ساعت 22 به همراه شعاردادن های شبانه ی محلات گزارش شده است.

جمع بندی یک وبلاگ نویسی: مردم روز قدس را بردند!

تهدیدات فرماندهان نظامی پوچ از آب در آمد و مردم روز قدس را بردند. روزی که حکومت کودتا می خواست به بهانه ی حمایت از فلسطین، بار دیگر مشروعیتی برای خود دست و پا کند و حمایت از دولت کودتا را در بلندگوها فریاد کند، حضور به گفته ی ناظرین، چندصد هزار نفری مردم در تهران و بسیاری از شهرها، این نقشه را به هم زد. هر چند دولت کودتا با اتکا به رسانه های اشغال شده و سازماندهی گسترده، کوشید تصویر واژگونه ای از این روز به نمایش بگذارد، اما حضور خبرنگاران خارجی و صدها شاهد مستقیمی که گزارش ها و فیلم های سوبه ی واقعی روز قدس ۸۸ را به جهان مخابره کردند، نشان داد که این روز را مردم برده اند، یک سنت تاریخی دیگر حکومت را، آن ها از آن خود کرده اند. حضور مجدد و انبوه مخالفین کودتا در خیابان ها، در این دوره ی سرنوشت ساز، برای جنبش آزادی خواهانه ی مردم ایران دارای اهمیت بزرگی است. دوره ای که کفه ی ترازو هنوز به طوری تعیین کننده به هیچ طرف سنگین نشده، و حکومت قصد داشت با مهار اعتراضات مردمی، ضربه ی سنگینی بر موقعیت جنبش آزادی خواهانه و امیدهای آزادیخواهان وارد آورد. حضور انبوه مردم در خیابان ها اما بار دیگر وضعیت را برای ادامه ی رویارویی متعادل کرد. نشان داد استبداد علیرغم سرکوب شدید و تعرض تبلیغاتی همه جانبه علیه مخالفین خود، نتوانسته است بر خواست های آزادی خواهانه ی مردم ایران نقطه ی پایانی بگذارد و به آن ها بیاوراند که دوران اعتراض به پایان رسیده است. نشان داد، علیرغم سرکوب ها و بگیر و ببندها و تعرض های تبلیغاتی، این جنبش همچنان قدرتمند است و هر روز که می گذرد بیشتر ریشه در اعماق جامعه می دواند. حضور گسترده ی مردم در خیابان ها، بعد از یک دوره خاموشی ظاهری، ادامه ی این جنبش را اثبات و تضمین کرد و افسانه ی سرکوب آزادی خواهان را باطل نمود. مردم ایران فرصت می خواهند که اعتراضات خود را بیان کنند و روز جمعه این فرصت را به دست آوردند. از این فرصت ها باز هم به دست خواهد آمد. روز جمعه ۲۷ شهریور، نقطه ی آغاز چرخشی در روحیه ها بود. آن چه سران کودتا برای هواداران خود یافته بودند، نقش بر آب شد و مبارزین دموکراسی در ایران نفسی تازه کردند. می توان مطمئن بود که تظاهرات روز جمعه، نقطه ی شروعی برای حرکات بعدی مردم خواهد شد. روحیه ها را جلا خواهد داد و امیدها را تقویت خواهد کرد. اکنون با اطمینان بیشتری می توان نوشت جنبش آزادی خواهانه ی ایران بیش از هر وقت به عمق رفته و نسبت به هدف های خود آگاهی یافته است. این جنبش اکنون به طور یک پارچه ای هدف کنار زدن دیکتاتوری را دنبال می کند و نسبت به روزهای آغازین خود به همگرایی بیشتری دست یافته است، نیرویش بیش از پیش یکی شده است. در جبهه ی کودتاجیان اما روندی معکوس در جریان است. ادامه ی جنبش مردم، آن ها را بیشتر متوحش می کند و رو در روی یکدیگر قرار می دهد. ادامه ی جنبش مردم و حضور آن در مقاطع تعیین کننده، یک پارچگی ستاد کودتا و نیروهای مسلح آن را از بین خواهد برد و یکی از مهم ترین شروط غلبه بر حاکمیت استبداد را فراهم خواهد آورد. در یک جنبش مردمی که با حکومتی مستبد و خون ریز رو در رو شده است، هیچ چیز با اهمیت تر از داشتن روحیه و امید به پیروزی نیست و تظاهرات روز جمعه ی مردم در خدمت این هر دو در آمد. از امروز، آزادی خواهان ایران، دلایل باز هم بیشتری برای خوش بینی به نتیجه ی مبارزه ای که آغاز کرده اند در دست خواهند داشت! چرا دارد به همه ی کسانی که علیرغم نداشتن امکانات و در زیر سایه ی سنگین سرکوب، با تلاش های شبانه روزی خود، برای گرد آوردن مردم زحمت کشیدند، اطلاع رسانی کردند و این تجمع بزرگ را آرام آرام شکل دادند و به ثمر رساندند، دست میرزاد گفت.

تجمع اعتراضی مادران عزادار در پارک لاله

بنابه گزارشات رسیده از پارک لاله تهران، مادران عزادار طبق روال هفتگی خود در پارک لاله تجمع اعتراضی خود را بر پا کردند و اعتراضات خود را نسبت به سرکوب خونین مردم ایران و بخصوص فرزندان جانبخته خود را بیان کردند. روز شنبه 28 شهریور ماه از ساعت 16:00 تعدادی از مادران طبق معمول هفته های گذشته در میدان آب نمای پارک لاله جمع شدند و رفته رفته به تعداد آنها افزوده شد. مأموران نیروی انتظامی مستقر در پارک لاله با چند موتور و تعدادی نیرو قبل از انجام هر گونه حرکتی از طرف مادران به سراغ آنها آمدند. مسئول نیروی انتظامی مستقر در پارک به آنها گفت اینجا مکانی عمومی است و شما با این کار حقوق دیگران را ضایع می کنید اینجا جای این گونه کارها نیست و هر چه زودتر از اینجا دور شوید و الا شما را بازداشت می کنیم آنوقت کارتان با کرام الکاتبین است. اما مادران بدون توجه به سخنان او به نشانه اعتراض به خونهای به ناحق ریخته شده فرزندانشان شروع به حرکت به دور میدان آب نما کردند. مسئول نیروی انتظامی پارک برای ترساندن مادران دانما با بی سیم صحبت و درخواست نیرو می کرد. تعدادی از مردم نیز با دیدن مادران به جمع آنها می پیوستند و در سکوت به نشانه اعتراض حرکت می

بتاریخ سی ام شهریور یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت

کردند. موتور سواران نیروی انتظامی نیز دائما در اطراف آنها مانور می دادند. دو اتومبیل از کلانتری 148 در جلوی درب جنوبی پارک مستقر شده بودند. مادران تا ساعت 19:00 طبق روال همیشه به حرکت اعتراضی خود ادامه دادند و در پایان مراسم با بالا بردن دست خود به نشانه پیروزی پایان دادند.

تجمع خانواده های دستگیر شدگان روز 28 شهریور در مقابل کلانتریها

بنابه گزارشات رسیده خانواده های دستگیر شدگان روز 28 شهریور و خانواده های دستگیر شدگان قیام در مقابل کلانتریها و دادگاه انقلاب تجمع اعتراضی بر پا کردند و خواستار اطلاع یافتن از عزیزان خود و آزادی آنها شدند. تعدادی از خانواده ها که عزیزان آنها روز 28 شهریور توسط نیروهای سرکوبگر ولی فقیه در خیابانهای مختلف دستگیر و به کلانتری 148، 160 و سایر بازداشتگاه منتقل کردند. آنهایی که امکان تماس تلفنی کوتاه یافته بودند با خانواده های خود تماس گرفته و مکان بازداشت خود را اعلام کردند. آنها از صبح امروز علیرغم باران زیاد در مقابل کلانتریها تجمع کردند و خواستار مطلع شدن و آزادی عزیزان خود شدند. خانواده های دستگیر شدگان روز گذشته از شکنجه های عزیزان خود که تعدادی زیادی از آنها هنوز محل بازداشتشان نامشخص است سخت نگران هستند. همچنین روز شنبه 28 شهریور ماه حدود 40 نفر از خانواده بازداشت شده ها با وجود باران شدید از صبح ساعت 9:30 در داخل دادگاه انقلاب تجمع کردند و خواهان آزادی فوری عزیزان خود بودند. خانواده ها به محض ورود به دادگاه انقلاب با دفتر حسن حداد و حیدری فر به امید شنیدن خبر کفالت و وثیقه برای آزادی عزیزانشان تماس می گرفتند. بعد از چندین بار تماس گرفتن بالاخره موفق می شدند با منشی آنها صحبت کنند. عده ای از خانواده ها بعد از شنیدن جمله هنوز پرونده تکمیل نشده عصبانی می شدند و تلفن را زمین می گذاشتند و با خشم هر چه تمام تر به کارکنان دادگاه انقلاب و خانواده های دیگر می گفتند این است رأفت اسلامی که از آن دم می زند؟ جوانهای مردم را به بهانه های واهی دستگیر می کنند هر بلایی که دلشان خواست بر سر آنها می آورند، شکنجه می کنند، ملاقات نمی دهند، گاهی اوقات اجازه تماس تلفنی هم نمی دهند، به زور باید لباس به آنها بپوشانیم بعد می آیند پشت تلویزیون می گویند ما با آنها کاری نداریم، در نهایت رأفت اسلامی با آنها برخورد می کنیم. پس کو رأفت اسلامی؟ اینها که دم از مردم سالاری می زنند مگر دیروز نشنیدند مردم شعار می دادند زندانی سیاسی آزاد باید گردد؟ گفتند قبل از ماه رمضان آزاد می کنیم تعداد کمی را آزاد کردند. گفتند به مناسبت شب های احیا آزاد می کنیم باز هم عده کمی را آزاد کردند تا دهانمان بسته شود. اگر می خواهید رأفت اسلامی نشان دهید عزیزانمان را آزاد کنید. در همین بین یک لباس شخصی به خانواده ها نزدیک شد و گفت ساکت شوید و الا حراست با شما برخورد می کند یکی از مادران گفت اگر تو جای ما بودی چکار می کردی که در کمال پرویی به او جواب داد حالا که جای شما نیستم.

«روز قدس» هم گذشت، اما ... * - ن. هدایت

میگویند که هر جریان سیاسی را میتوان ماهیتش را از جریان رهبری اش درک کرد. مثلا جریان مجاهدین خلق را ما خواسته های نگران مجاهدین و هواداران آنها که در مورد رهبری مجاهدین متوهم میباشند و فکر میکنند که رهبران مجاهدین «سوپر» انقلابی هایی هستند که در جهان همتایشان نیست در نظر نمیگیریم و یا فکر میکنند که این جریان «مبارز» و «مترقی» است بلکه با در نظر گرفتن سیاستهای این رهبری مجاهدین به ماهیت ارتجاعی آنها پی میبریم. در مورد «جنبش سبز» نیز غیر از این نمیباشد. این نوع توجیه گری بخشی از اپوزیسیون را هم قابل قبول نیست که مردم خود را «در پشت جناحی از رژیم پنهان کرده اند» زیرا که باید گفت مردمی که در خیابان مقابل نیروهای سرکوبگر مقابل می کنند و خون میدهند قابل تأمل نیست که به خود کلک میزنند و به حمایت از بخشی از جناحهای رژیم دست میزنند. اپوزیسیون که چنین مدعی است صرفا میخواهد اعتبار نداشته خود را در نزد مردم توجیه کند. رهبرانی که هواداران موسوی و کروبی برای خود برگزیده اند مشخص میباشند و ماهیت ارتجاعی آنها را خود مشخص میکنند یعنی رهبر خود را خمینی مینامند و به خط «امام» میخواهند بازگردند. آنها از طرف رفسنجانی حمایت میشوند که خود بخش اعظم مراکز غارت را در دست داشته است و هنوز در دست دارد و در مقابل جناح رقیب رفسنجانی و دیگر جناحهای متفاوت رژیم این مراکز غارت را از دست داده اند و امروز «آزادی خواه» شده اند و کسانی مانند هادی غفاری چماقدار و آیت الله های رنگارنگ قم که در گذشته قاتل جوانان مبارز بوده اند نیز مورد حمایت قرار میگیرند. در این راه نیز این جریان در سطح جهانی از طرف قدرتهای امپریالیستی از نظر رسانه ای و مالی بخوبی حمایت میشود و علاقه جریانهای ارتجاعی جهانی برای دگرگونی در ایران بسیار وافر است و شعارهایی که شدیداً هم از طرف نیروهای راست و ناسیولیسم - فاشیستی در اپوزیسیون نیز مورد حمایت قرار میگیرد مانند «جمهوری ایرانی و جانم فدای ایران» و یا برگرداندن «مرگ بر اسرائیل و آمریکا» - «مرگ بر چین و روسیه». البته این گونه نیست که روسیه دوست مردم ایران باشد ولی در تضادهایش مقابل جناح های دیگر قدرت امپریالیستی بهر روی همراه با چین از پیش برد سیاستهای تحریم و جنگ علیه مردم ایران جلوگیری کرده است و البته نیز بدلیل حمایتش که در چهارچوب بده و بستانهایشان هم میباشد و منافع اقتصادی که البته در ایران دارند «شعار مرگ بر روسیه» مورد استقبال شدید رسانه های امپریالیستی - صهیونیستی و نیروهای راست مانند سلطنت طلبان و مجاهدین میباشد. یادمان نرود که ارتجاع عرب منطقه نیز همراه با اسرائیل نیز در چهارچوب منافع خود برای ضعیف کردن رژیم ایران خواستار تحولاتی در ایران میباشد که جلوی نفوذ رژیم ایران در منطقه را بتوانند بگیرند. اینها همه در اقع از این «اعتراضات جنبش سبز» یک جریان ارتجاعی ساخته است که هرچند خواسته های مردمی نیز در آن وجود دارد ولی این جهت سیاست مترقی به این جنبش نمیدهد و آنرا بازپچه ای در دست نیروهای ارتجاعی در درون رژیم برای رقابت و در دست گرفتن پست های کلیدی اقتصادی - سیاسی از دست رفته در مقابل رقیب میباشند که اکنون این پست های کلیدی را در دست دارد و خود به غارت مردم مشغول است. بازهم گفته میشود کسانی که در اپوزیسیون با حساب های خیالی فکر میکنند که «جنبش سبز از موسوی - کروبی» عبور میکند و یا این حرکت مردم «رهبران خود را متولد میکنند» سخت در اشتباه میباشند چون هیچ نشانی از این زایمان در این «جنبش ارتجاعی» وجود ندارد و تنها به خواسته های مردمی که این حرکت را همراهی میکنند و بازهم صرفا در چهارچوب همین رژیم است و دادن چند شعار این جا و آنجا نشانی نه از عبور از موسوی را با خود دارد و نه نشانی از متولد شدن «رهبران جنبش» و اگر کسی نیز فکر میکند با مفت خوری و بدون کار و سازماندهی میتواند گنج بطور فرصت طلبانه درو کند تاریخا باید گفت یک خیال باطل دارد که مانند حبابی خواهد ترکید و توهمانی بیش نیست. این «جنبش سبز» یک جریان ارتجاعی است که در دست نیروهای ارتجاعی داخل رژیم و حمایت نیروهای راست درون اپوزیسیون تبعیدی و جریان های امپریالیستی است و نه آن بهتر از جناح حاکم و پابند نظامی خامنه ای - احمدی نژاد نخواهد بود. این را ماهیت رهبران و خواسته هایشان روشن میسازد و همانطور که گفته شد بقیه داستان خوش خیالیهای یک اپوزیسیون راست متوهم است که توده ها را در جهت اهداف خود میخواهد با حمایت رسانه ای و مالی امپریالیستی به نفع خود به میدان ببرد و در باز ک قدرت در منطقه رژیم را ضعیف و یا دگرگون نماید.

*این مطلب با عنوان «روز قدس» گذشت و ماهیت ارتجاعی «جنبش سبز» خود را نشان داد» برای ما فرستاده شده بود.